۷۷۳۳

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

چهار ... باید نوشت

علیه الرحمه کتابی تصنیف نموده در معرفت ادویهٔ مفرده

اعرابش معلوم یونانیست بپارسی

زرنیخ زرد گویند همزه مفتوح و برا ز دو سین مفتوح

باالف کشیده نون مکسور باباء کشیده قاف مضموم

باواو کشید

ادویه مفرده

چند روز ... ملک

...

راساکن مفتوح باالف کشیده هاساکن
اسم

هو
[illegible]

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس غفاری را جل جلاله و عم نواله
که کرمش صحن سینه مؤمنان را بنور هدایت
برافروخت مالک الملکی که مبدع صور و بدایع و
سبب ضر و منافع است و درود و صلوات بی
پایان نثار روضه سید سادات و سید سعادات
محمد مصطفی علیه من الصلوات افضلها و من التحیات
اکملها و اولاد و امجاد او باد اما بعد چنین گوید کمینه بندگان
حسین بن علی بن حسین الانصاری احسن الله احواله
فی الدارین که جمعی از دوستان عزیز درخواست کردند
که پدر این ضعیف حاجی زین الدین علی بن حسین الانصاری
علیه الرحمه کتابی تصنیف نموده در معرفت ادویه مفرده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

آنرا اختیارات بدیعی نام کرده اما اعراب اسامی
ادویه از انجا معلوم نمیشود واگر آن اسامی معرب سازی
بغایت پسندیده بود وتصنیف پدر را تمام کرده باشی
وهم یادگاری باشد بنابرین مقدمه اسامی که در
انجاست معرب ساخته چون این ضعیف مردی
بی بضاعت ونادانست اعرابی عامیانه کرد توقع
بالطاف مخادیم چنان است که چون بشرف نظر
ایشان مشرف شود عیب نفرمایند واگر جایی
سهوی بوده باشد اصلاح فرمایند ودر آخر هر
اسمی طبیعت آن برمز وایما گفته شود مثلاً از حرارت
ح واز برودت ب واز یبوست ی واز رطوبت
ر واز اعتدال مع ودرجات آن بحساب هندسه
نوشته میشود انشاالله تعالی بر اصحاب حکمت وارباب
دولت مبارک باد

باب الالف

اطریلال یونانیست

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

اطریلال

بپارسی تخم خلیل گویند همزه اول مفتوح و دوم مفتوح
وطاء مکسور و راء مکسور با یاء کشیده لام مفتوح
با الف کشیده لام آخر ساکن ح ی اج ۲ ارغیس
بپارسی بیخ (پوست) زرشک گویند همزه اول مفتوح همزه دوم
مفتوح راء ساکن غین مکسور با یاء کشیده سین
ساکن ح ای ۲ آبار آنکه محرق بود بپارسی چیوه گویند
همزه ممدود با مفتوح با الف کشیده و راء ساکن
ب ر آبق زیبق است اکسیریان بپارسی جیوه گویند
همزه ممدود با مفتوح قاف مکسور آبگون لباب الف
است و آن نشاسته است همزه ممدود با ساکن
کاف مضموم با واو ساکن طبیعت آن در نشاسته
گفته شود ابقو بپارسی شوره گویند همزه مفتوح
با زده قاف مفتوح و برازده ابوخلسا ع سپیت بپارسی
سنجار گویند همزه مفتوح با مضموم با واو کشیده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

حا مفتوح بلام زده سین مفتوح با الف کشیده ح
ی ۲ ابریشم محتاج اعراب نیست ابهل عربیست همزه مضموم
بباز ده ها مضموم بلام زده ج ی ۲ ابرکیا عربیست و
آن نرج عنکبوتست همزه مفتوح با مفتوح برا زده
کاف مفتوح با الف کشیده کاف مکسور یا مفتوح با الف
کشیده ابرار القطا حی العالم است همزه ممدود و بباز ده را
مفتوح با الف کشیده را مضموم و بلام زده قاف مکسور
طا مفتوح و بها زده ابل همزه مفتوح با مکسور بلام زده
اسم قافله صغارست و اگر همزه مفتوح و با مضموم بلام
زده گویند طراتیبست طبیعت قافله صغار ج ی ۳
ابست همزه مکسور با مفتوح بسین زده تا ساکن ح را
اباغلس همزه مضموم با ها مفتوح با الف کشیده غین مفتوح
بلام زده سین ساکن ابن عرس عربیست بپارسی راسو
گویند همزه مکسور و بباز ده نون مضموم عین مکسور

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

وبرازده سین ساکن ابریسمیه عربیست و آن اسم آتشیست

مانند زیرباج همزه مکسور و بیازده راء مفتوح یا مکسور

و بایاء کشیده و میم مکسور یا مفتوح و بهازده مع اتاب

همزه یا مفتوح با الف کشیده نون ساکن اترج بپارسی

ترنج گویند همزه مضموم بتازده راء مضموم و بجیم زده و شت

آن ح و تخم آن ح رو راء ساکن پوست آن زرد زرد

اسم زر شکست و آنرا سر گویند همزه مفتوح و بتازده با

راء مفتوح و با الف کشیده راء ساکن اثمد عربیست بپارسی

سرمه گویند همزه مکسور و مضموم نیز گویند و بثازده

میم مکسور و مضموم نیز گویند و بدال زده ب می اثلق

اسم نخجکست همزه مفتوح و بثازده لام مفتوح و بقاف

زده اثل عربیست اسم نوعی از گزرست همزه مفتوح

بیازده لام اجاص بپارسی آلوی سیاه گویند همزه مکسور جیم

مفتوح و با الف کشیده صاد ساکن ب ا ۱۲ ۲۶

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

احداق المرضی عربیست بپارسی بابونه گاو گویند همزه مکسور و بحا زده دال مفتوح با الف کشیده قاف مضموم و بلام زده میم مفتوح و برا زده ضاد مفتوح و با الف کشیده

احریص اسم حنو است همزه مکسور و بحا زده را مکسور و با یاء کشیده صاد ساکن احلب دبا اسم سرم آست همزه مکسور و بحا زده لام مفتوح و ببا زده دال مکسور با مفتوح با الف کشیده احیون نباتیست که براس^الافعی^ مشهورست همزه مفتوح و بحا زده با مضموم با واو کشیده نون ساکن احسوس همزه مفتوح حاء مکسور و با یاء کشیده سین ساکن نون مضموم و با واو کشیده

احریط کراث بریست کندنای بری گویند همزه مکسور و بحا زده راء مکسور با یاء کشیده طا ساکن ادادا

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

اسم نوعی از مار زیر پوست همزه مفتوح دال مفتوح با الف کشیده ادرک

الوی کیلی گویند همزه مکسور و بدال زده راء مکسور و بکاف زده و اگر

همزه مفتوح گویند و بدال زده و راء مفتوح و بکاف زده اسم دوائیست

هندی و طبیعت آن ای جبلی ب را اذاراتی یونانیست بپارسی

کحله همزه گویند همزه و دال مفتوح و با الف کشیده راء مفتوح

و با الف کشیده قاف مکسور بایاء کشیده بغایت گرم است

آذرباشر صمغ سداب کوهیست همزه ممدود دال مضموم براء زده

با مفتوح با الف کشیده سین ساکن اذناب الخیل بپارسی اسلیخ گویند

همزه مفتوح و بدال زده نون مفتوح با الف کشیده باء مضموم

بلام زده خاء مفتوح و یاء زده لام ساکن اذربو اسمی پارسی معربست

چوبک اشنان گویند همزه مفتوح دال مضموم و براء زده باء مضموم

با واو کشیده حای هم اذان الفار سپت بپارسی مرزنگوش گویند

مرا

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

همزه ممدود و دال مفتوح با الف کشیده نون مضموم بلام
زده فاء مفتوح با الف کشیده راء ساکن ح ی ۲ اذخر
عربیست بپارسی کورکیا خوانند همزه ممدود و بدال زده
حا مکسور و براء زده نوع علفی چراگاه وی را اذان الفیل
بپارسی پیلگوش گویند اعراب اذان گفته شد اذان
الجدی بپارسی زرو رق بارتنگ گویند اعراب اذان گفته شد
جیم مفتوح و بدال زده یا ساکن اذان العبد بپارسی
کشته گویند نوعی از عصی الراعی است اذان معلوم
و عبد مشهور و معروف اذان الارنب نوعی از
لسان الحمل است اذان معلوم و ارنب هم معلوم
اذان الدب اسم بر اذان گفته شد و دب نیز گفته شد
و دب معلوم است آذارافیون نوعی از کف دریاست
همزه ممدود و دال مفتوح با الف کشیده راء ساکن همزه مفتوح
و بفا زده یا مضموم و بواو کشیده نون ساکن آذریون

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

نوع از شقایق است و این اسم بپارسی معربست
همزه ممدود و دال مضموم براز ده یا مضموم با واو کشیده
نون ساکن ح ی ع اذان اذان الجدی نوعی از حی العالم است
اذان معلوم قاف معلوم مفتوح سین مکسور سین
ساکن ارال چوبی یمنی خوشبو ست همزه مفتوح و
براز ده میم مفتوح با الف کشیده لام ساکن ح ۲
ی ا ارطاماسیار و میست بپارسی برنیفه گویند
همزه مفتوح و براز ده طا مفتوح با الف کشیده میم ساکن
ح با الف کشیده سین مکسور یا مفتوح با الف کشیده ب ی ا ح
سو ارزه درخت صنوبرست همزه مفتوح را مفتوح ها
مضموم ح ی ارز بپارسی برنج گویند همزه مفتوح را
مضموم و براز ده ب ی ۳ اریدبرید همزه مکسور را مکسور
با یاء کشیده ها دال ساکن ها مفتوح راه مکسور و با
کشیده دال ساکن اراه اسم مصطکی است همزه مفتوح

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

را مفتوح با الف کشیده ها ساکن ارشد اسم حجر
النمورست همزه مفتوح و برا زده سین مفتوح و
بدال زده ارسطلوخیا یونانیست بپارسی زراوند
دراز گویند همزه مفتوح را مکسور بسین زده طا مفتوح
لام مضموم با واو کشیده خا مکسور یا مفتوح با الف
کشیده اردقنا بپارسی خیار زه گویند همزه مفتوح
راء مکسور بدال زده فاء مفتوح با الف کشیده نون مکسور با
بابای کشیده و بعضی اردقنایی خوانند همزه مفتوح
و بدال زده قاف مفتوح با الف کشیده ارمنا یونانیست
و بپارسی نوشادر گویند همزه مفتوح برا زده میم مکسور
و بها کشیده نون مفتوح با الف کشده اران اسم حناست
همزه مفتوح را مفتوح با الف کشیده نون ساکن ارمد
پنجنکشت است همزه مفتوح را مفتوح و بدال زده اردشیران
پارسیست و آن نوعی از مروست همزه مفتوح و برا زده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

دال مفتوح شین مکسور با یاء کشیده راء مفتوح با الف
نون ساکن اربیان بیخ دریاییست همزه مضموم و براز ده
باء مکسور یاء مفتوح با الف کشیده نون ساکن ارجوان
عربیست بپارسی ارغوان گویند همزه مفتوح و براز ده جیم
مضموم واو مفتوح با الف کشیده نون ساکن ب یی
اراقوا بپارسی سهنک کندم گویند همزه مفتوح راء
مفتوح با الف کشیده قاف مفتوح واو مفتوح با الف
کشیده ارجیقنه بپارسی اسفرک گویند همزه مفتوح و براز ده
خاء مکسور با یاء کشیده قاف مکسور نون مفتوح و براز ده
ارمنین بپارسی اسم درخت حب الفلفل است همزه مفتوح
و براز ده میم مفتوح و نون مکسور با یاء کشیده نون ساکن ارنب
بری عربیست بپارسی خرگوش گویند همزه مفتوح و براز ده
نون مفتوح باء مضموم بری مشهور است ارنب بحری
حیوانیست دریایی صدفی شکل و از سموماتست اعراض

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

معلوم ارسانیقون یونانیست بپارسی زرنیخ زرد گویند
همزه مفتوح و برا زده سین مفتوح با الف کشیده
نون مکسور بایاء کشیده قاف مضموم باواو کشیده نون
ساکن اَرطی اسم درخت غرب است همزه مفتوح و برا
زده طا مکسور بایاء کشیده و بعضی مفتوح گویند باالف
ارعامونی یونانیست بپارسی ما میثاء سرخ گویند همزه
مفتوح و برازه عین مفتوح با الف کشیده میم مضموم با واو
کشیده نون مکسور باباء کشیده آزاد درخت اسم پارسیست
بشیرازی درخت بلکنک گویند ح ۲ یع ۳ ی احرا ازورد
همزه مفتوح و برا زده واو مفتوح و برا زده دال ساکن
ح ۳ ی احرا اسفیداج عربیست بپارسی سفیداب گویند
محتاج باعراب نیست اسفنج بپارسی ابر مرده گویند همزه
مکسور بسین زده فا مفتوح بنون زده جیم ساکن ح
ای ۲ اسطوخودوس یونانیست و رومی نیز ح ا ای ۲

محتاج باعراب نیست اسپترخا یونانیست بپارسی
زرنخ سرخ گویند همزه مکسور و بسین زده تاء مکسور و برا
زده حا مفتوح با الف کشیده اسبوس یونانیست و آن سنگیست
سبک همزه مفتوح و بسین زده با مضموم با واو کشیده سین
ساکن ح ی اسموسا یونانیست و آن نوعی از مرو است
همزه مفتوح و بسین زده میم مضموم با واو کشیده سین مفتوح
با الف کشیده اسرنج بپارسی سرنج گویند ب ی اسقولوس
بپارسی سریش گویند همزه مضموم و بسین زده قاف مضموم
با واو کشیده لام مضموم با واو کشیده سین ساکن اسطلس
یونانیست و آن اسم فقر الیهود است همزه مکسور و بسین زده
با مفتوح و بطا زده لام مضموم و بسین زده استقنقور
بپارسی سقنقور گویند ح ۲ ی اسود سالخ بپارسی سیه مار
گویند همزه مکسور و بسین زده واو مفتوح و بدال زده سین
مفتوح با الف کشیده لام مکسور و بسین زده قاف

و بحا زده اسقیل بپارسی پیاز دشتی گویند همزه مکسور

مکسور با باء کشیده لام ساکن ح ی ر کع ۳ اس
تنک بپارسی مورد گویند همزه ممدود و سین مکسور تاء
مکسور و بنون زده کاف مفتوح و بها زده ب ای ۲
اس بری مورد اسپرم خوانند معلوم است اسقولو
قندریون یونانیست بپارسی زنجی دارو گویند همزه مضموم
و بسین زده قاف مضموم با واو کشیده فا مفتوح بنون
زده دال مفتوح برا زده با مضموم با واو کشیده نون ساکن
ح ای ر کع مع اسقوردیون یونانیست بپارسی سیر مو
گویند همزه مضموم و بسین زده قاف مضموم با واو کشیده
راء ساکن دال مفتوح یا مضموم با واو کشیده نون ساکن
ح ی ع ۴ اسفند اسفند پارسیست و آن خردل سفید گویند
معلوم است اعرابش ح ی ۳ یع ع ۴ اسارون در کتب برین
اسم مشهورست ح ی ۲ اسفرم اسمار سرد و اسم مورد است
همزه مکسور و بسین زده فاء مکسور را مفتوح و بمیم زده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

همزه مکسور و بسین زده میم مفتوح با الف کشیده را ساکن

اسقیوش بپارسی بنگو گویند اسفاناج بپارسی اسفناج

گویند معلومست ب رکع اسقورون یونانیست بپارسی

ریمه آهن گویند همزه مفتوح و بسین زده قاف مضموم

با واو کشیده را مضموم با واو کشیده نون ساکن

ح ی ۲ اسطفین یونانیست بپارسی کذر گویند همزه

مکسور و مضموم گویند و بسین زده طاء مفتوح فا مفتوح

با یاء کشیده نون ساکن اسطون یونانیست و هم اسم

جزیست همزه مضموم و بسین زده طاء مضموم با واو کشیده

نون ساکن ابن الارض اسم مار زیونست ح ی ۲ انجاره

رومیست بپارسی تو دری گویند همزه مفتوح و بسین زده

حاء مفتوح با الف کشیده راء مفتوح و بها زده انکبیل چشم

اسم عو بیج است معلومست اشنه اسم دواء است همزه

مضموم و بسین زده نون مفتوح و بها زده ح ی ۲ ع

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

مع اشتالابوس اسم یونانیست مروارشیشعان همزه مکسور وبسین گویند

زده تا مکسور لام مفتوح باالف کشیده با مضموم باواو کشیده بسین

ساکن اشترغار مشهورست ح ی اح ور جه ۲ اشنان داود

اسم زوفاء خشکست ومشهورست اشقاقل بپارسی گذر بری

گویند همزه مکسور وبسین زده قاف مفتوح باالف کشیده قاف

مضموم باالام زده ح ر۲ و قتل ح ۳ ی ۴ اشخیص همزه

مکسور وبسین زده خاء مکسور بایاء کشیده صاد ساکن

اشق عربیست بپارسی وشه گویند معلومست ح اخر ی ا

اشراش بپارسی سریش گویند همزه مکسور وبسین زده

راء مفتوح باالف کشیده سین ساکن ح ی ۲ اشیاف مامیثا

بپارسی شیاف مامیثا گویند ومعلومست اصابع صفر بپارسی کف

مریم گویند همزه مفتوح صاد مفتوح باالف کشیده با مکسور

بعین زده صاد مکسور وبفاء زده راء ساکن ح ی ۲ اصابع هرمس

نقاح سورنجانست اصابع گفته شد هاء مکسور باراء زده میم مکسور

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

وبسین زده اصابع عذاری اصابع معلوم عین مکسور دال مفتوح با
الف کشیده راء مکسور با یا کشیده ح را اصل السوس عربیست
بپارسی بیخ مهک گویند همزه مفتوح و بصاد زده لام مضموم و بسین
زده سین مضموم با واو کشیده سین ساکن مع اصل اللوف بپارسی
بیخ بیلکوش گویند اصل معلوم لام مضموم با واو کشیده فا ساکن
ح ی م اصول الاربعه بیخ کرفس و رازیانه و کبر کاسنی گویند
اصل مرجان تبلات بپارسی بیخ مرجان گویند معلومست
اصل القصب بپارسی بیخ نی گویند اصل معلوم قاف مفتوح
صاد و بیا زده اصل الراسن بیخ راسن گویند را مفتوح با الف
کشیده سین مفتوح و بنون زده اصل النیلوفر بپارسی بیخ نیلوفر
هندی گویند مشهورست اصل السوسن الابیض بپارسی بیخ
سوسن سفید گویند اصل السوسن الاسمانیلی ایرساست
معلومست اصل اللفاح بیخ لفاح است اصل الفلفل بیخ
فلفل گویند اصل الخنثی بپارسی بیخ سریش گویند اصل [illegible]ست

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

حا مضموم و بنون زده یا مفتوح با الف کشیده اصل الکرفس
پنج کرفس گویند اصل الهندبا پنج کاسنی گویند اصل معلوم ها مکسور بنون زده
دال مضموم با باء مفتوح با الف کشیده اصل اللوز المر پنج بادام
تلخ گویند اصطفین یونانیست بپارسی گزر را گویند همزه مکسور
و بصاد زده طا مفتوح قاف مکسور بایا کشیده نون ساکن
اصل عرطنیثا بپارسی چوبک اشنان گویند اصل معلوم عین
مفتوح و برا زده طاء مفتوح نون مکسور بایا کشیده تا مفتوح
با الف کشیده اصل الانجدان همزه مفتوح بنون زده جیم مضموم
دال مفتوح با الف کشیده نون ساکن اصف بپارسی پنج کبر
گویند همزه ممدود صاد مفتوح و بفا زده اصطرک بپارسی
سطرکا گویند همزه مفتوح و بصاد زده طا مفتوح را مفتوح
و بکاف زده ح ۳ ی ابع ی ۳ اقراص الکلب عرسیت
و آن بنفایح است همزه مفتوح و بصاد زده را مفتوح
با الف کشیده سین مضموم بلام زده کاف مفتوح بلام زده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

باساکن اطمط واطماط هر دو اسم فندق هندیست همزه مفتوح

و بطا زده میم مضموم با واو کشیده طا ساکن دیگر همزه مکسور

و بطا زده میم مفتوح با الف کشیده ح مه را اطمیا بپارسی

برنجاسف گویند همزه مفتوح و بطا زده میم مکسور با یاء

کشیده سین مفتوح با الف کشیده ح را اطریه عربیست

بپارسی رشته گویند همزه مکسور و بطا زده را مکسور

یا مفتوح بها زده ح را اطاء بپارسی رو گویند و ورک

گویند همزه مفتوح طاء مفتوح با الف کشیده الف

اخر مفتوح اطباء الکلبه بپارسی و عربی سپستان گویند

همزه مفتوح و بطا زده با مفتوح با الف کشیده و همزه

مضموم و بلام ~~و بلام~~ زده کاف مفتوح یا مفتوح

و بها زده اطفار الطیب عربیست بپارسی ناخن جنی

دیو گویند همزه مفتوح و بطا زده فا مفتوح با الف کشیده و راء

مضموم و بلام زده طاء مکسور و با یاء کشیده با ساکن

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

ح ی ۲ مع ۲ اعین السراطین بپارسی تخم خنگشت گویند همزه مفتوح
وبلطا زده عین مکسور بیاء کشیده ونون مضموم وبلام زده سین
مفتوح را مفتوح باالف کشیده طاء مکسور بیاء کشیده نون
ساکن اغیرش همزه مفتوح عین مکسور بیاء کشیده راء
مکسور وبسین زده اعیس او هم اسم تخم خنگشت است همزه مفتوح
عین مکسور بیاء کشیده سین ساکن اعرسطیس رومیست
بپارسی سپیدگیا خوانند همزه مفتوح عین مفتوح وبرا زده سین
مفتوح طاء مکسور وبسین زده اغبر لوبیا مرکبست همزه مفتوح گویند
وبعین زده با مفتوح برا زده اغلیقی یونانیست بپارسی
پنجنجوش گویند همزه مفتوح بعین زده لام مکسور بیاء کشیده
قاف مکسور بیاء کشیده افاسون بپارسی روغن نرگر گویند همزه
مفتوح فاء مفتوح باالف کشیده سین مضموم با واو کشیده نون
ساکن افلاطون یونانیست بپارسی منقل گویند افرنجمشک
بپارسی بالنگو گویند همزه مکسور بفا زده را مفتوح ونون

زده جیم مفتوح میم مفتوح بسین زده کاف ساکن ح ی ۴ افربیون
فرفیون نیز گویند همزه مفتوح فا مفتوح برا زده فا مکسور بای
مضموم با واو کشیده نون ساکن ح ی ۳ افسنتین پارسی
برنجاسف گویند مشهور است ح ی ۲ افیلون درمنه کوهی گویند
همزه مفتوح فا مکسور با یا کشیده لام مضموم با واو کشیده نون
ساکن افلنجه عربیست پارسی اپون گویند همزه مفتوح
فا زده لام مفتوح نون زده جیم مفتوح بها زده ح ی
افیون پارسی شیره خشخاش گویند ب ع ی ۳ اقحوان عربیست
پارسی بابونه بزرگ گویند بابونه گاو هم گویند همزه مضموم قاف
زده حا مضموم واو مفتوح با الف کشیده نون ساکن ح
ی م کع ۲ لی ۲ اقولاسمون رومیست و گویند یونانیست
پارسی روغن بلسان گویند همزه مفتوح قاف مضموم با واو کشیده
با مکسور لام مفتوح با الف کشیده سین مفتوح میم مضموم با واو کشیده
نون ساکن اقاقیا همزه و قاف مفتوحین با الف کشیده قاف

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

مکسور یا مفتوح با الف کشیده ب ه م ی ۴ اقماع الرمان الهندی
بپارسی نار مشک گویند همزه مفتوح و بقاف زده میم مفتوح با الف
کشیده عین مضموم و بلام زده را مضموم میم مفتوح با الف کشیده
نون مضموم و بلام زده سدی معلوم اقموس افسوس افوس
همزه مفتوح بقاف زده سین مضموم با واو کشیده سین
ساکن اقارون رومیست بپارسی اگر خواهند همزه مفتوح
قاف مفتوح با الف کشیده را مضموم با واو کشیده نون ساکن
اقلیمیا همزه مکسور و بقاف زده لام مکسور و بایا کشیده
میم مکسور یا مفتوح با الف کشیده مع ی اقومالی یونانیست
بپارسی آب عسل گویند همزه مفتوح قاف مضموم با واو کشیده
لام مکسور بایا کشیده اقط عربیست بپارسی کشک گویند
همزه مفتوح قاف مکسور و بطا زده ب ی اقطی یونانیست
بپارسی درخت مل گویند همزه مفتوح و بقاف زده طا مکسور
بایا کشیده اقطن لغت اهل مین است بپارسی هشک گویند

همزه مفتوح بقاف زده طاء مکسور و بنون زده اقساونی
یونانیست بپارسی ماء آب آورد گویند بهمزه مفتوح و بقاف زده
ماء مکسور نون مفتوح با الف کشیده لام مضموم با واو کشیده قاف
باباء کشیده اقینار ارالیبقی یونانیست بپارسی جان مهک
گویند همزه مفتوح بقاف زده یاء مکسور نون مفتوح با الف کشیده
همزه مفتوح راء مفتوح با الف کشیده و نون مفتوح با یاء کشیده
قاف مکسور با یاء کشیده الکج بپارسی کیل گویند همزه مفتوح
وبعضی بدو همزه گویند الکج هر دو مفتوح کاف مفتوح و بجیم زده
الکرومیس بپارسی درخت کهربا گویند بهمزه مفتوح و بکاف زده را
مضموم با واو کشیده فاء مکسور مفتوح هم گویند بسین زده الکشوث
بپارسی کشوث گویند معلومست الکلیل الملک بپارسی کیا
قیقر گویند ح ی مشهورست الکمکت سریانیست بپارسی
جرز الشیاطین گویند همزه مفتوح کاف مکسور و بتا زده و میم مفتوح
کاف مکسور و بتا زده الکوران بپارسی کشنک گویند همزه

سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی
جمهوری اسلامی ایران

مفتوح و بکاف زده میم مضموم با واو کشیده با مفتوح را مفتوح
با الف کشیده نون ساکن **اکلنف** عربیست بپارسی فرفیون گویند
همزه مضموم و کاف مضموم بلام زده نون مفتوح و بفا زده
سین مفتوح و بها زده **اکروهک** بپارسی ابرود گویند همزه مفتوح
و بکاف زده راء مضموم با واو کشیده ها مفتوح و بکاف زده
السا بپارسی زبنسان گویند همزه مفتوح و بلام زده سین مفتوح
با الف کشیده **المبطوط** بپارسی حک گویند همزه مفتوح بلام زده میم
مفتوح بیا زده طا مضموم با واو کشیده طا ساکن **الاطینی**
رومیست و آن لیلابست همزه مفتوح لام مفتوح با الف کشیده
طا مکسور با یا کشیده نون مکسور با یا کشیده **الوج** بپارسی گازر
سک گویند همزه مفتوح لام مضموم با واو کشیده جیم ساکن **الط**
رومیست بپارسی سنبل گویند همزه مفتوح لام مفتوح لطا زده
الانیون یونانیست و آن راسن است نوعی از آن بیلگوش
گویند همزه مفتوح لام مفتوح با الف کشیده نون مکسور با مضموم

باواو کشیده نون ساکن اَلْیَة عربیست پارسی دنبه گویند همزه

مفتوح وبلام زده یا مفتوح وبها زده اَمَامُوس یونانیست

پارسی گویند همزه مفتوح میم مفتوح با الف کشیده میم مضموم

باواو کشیده سین ساکن اُموس پارسی زغار کرم گویند وآن را

خراطین گویند همزه مفتوح میم مضموم باواو کشیده سین ساکن امعاء

الارض پارسی زغار گویند همزه مفتوح وبمیم زده عین مفتوح بالف

کشیده همزه مضموم بلام زده همزه مفتوح برا زده ضاد ساکن امعاء الصبر

یونانیست پارسی آب غوره گویند همزه مفتوح با الف کشیده

نون ساکن امبرباریس عربیست پارسی زرشک گویند همزه

مفتوح بمیم زده با مکسور برا زده با مفتوح با الف کشیده راء

مکسور بایا کشیده سین ساکن املج پارسی آمله گویند همزه ممدود میم

مکسور لام مفتوح وبجیم زده بای اُم مغیلان پارسی مغیلان گویند

مشهورست انجل پارسی خطمی گویند همزه مفتوح وبنون زده جیم مکسور

وبلام زده انجرک پارسی مرزنگوش گویند همزه مفتوح وبنون زده

ماهار

کوشن

وبمیم زده عین مفتوح

سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی
جمهوری اسلامی ایران

چیم مضموم و را مفتوح بکاف زده القبون یونانیست کل گویند همزه

مفتوح و بنون زده و قاف مضموم با واو کشیده نون ساکن انخطینا

سریانیست بپارسی کل نار گویند همزه مفتوح بنون زده حا مفتوح

و بفا زده طا مکسور بایا کشیده نون مفتوح با الف کشیده انجبده

بپارسی گندنا کوهی گویند همزه مفتوح بنون زده جیم مکسور بایا

کشیده دال مفتوح بها زده انیسون عربیست بپارسی

رازیانه رومی گویند معلومست انارکیا بپارسی موبزک گویند

همزه مفتوح و بنون زده سین مفتوح با الف کشیده انجران

عربیست بپارسی انگوان گویند مشهورست ح لی ۲ انفاق

بپارسی اسپ باره گویند همزه مکسور و بنون زده فا مفتوح

با الف کشیده قاف ساکن انجسا بپارسی سکال همزه مفتوح بنون

زده جیم مضموم سین مفتوح با الف کشیده انوجیا رومیست

بپارسی شقایق گویند همزه مضموم با واو کشیده میم مکسور مفتوح

با الف کشیده انطونیا رومیست بپارسی کاسنی شامی

کنده

گویند

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

گویند همزه مفتوح بنون زده طا مضموم با واو کشیده نون

مکسور یا مفتوح با الف کشیده ب را انب بپارسی بادنجان

گویند همزه مفتوح نون مفتوح بیا زده انزروت عربیست

معلومست ح ی م انتله سوذا یونانیست بپارسی ماه فرفین

گویند همزه مفتوح و بنون زده تا مکسور لام مفتوح و بها زده واو

مفتوح دال مفتوح با الف کشیده انگب عربیست بپارسی سرز

گویند همزه ممدود و نون مضموم بکاف زده انالیقی یونانیست

بپارسی انجره گویند همزه مفتوح نون با الف کشیده لام

مکسور با یاء کشیده قاف مکسور با یاء کشیده انجوج بپارسی

عود گویند همزه مضموم بنون زده جیم مضموم با واو کشیده جیم

ساکن انغخه عربیست بپارسی پنیرمایه گویند همزه مکسور بنون

زده فا مفتوح حا مفتوح و بها زده ح ی انفحة الارنب

خرگوش را گویند انفحة الحمار الوحشی پنیرمایه خرگور گویند انقرد

بپارسی بلادر گویند همزه مفتوح بنون زده قاف مکسور برا زده دال

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

مکسور با و مفتوح با الف کشیده انارمشک بپارسی نارمشک
گویند انجره مشهورست اورمانی یونانیست بپارسی عسل داود
گویند همزه مضموم با واو کشیده را ساکن و بعضی گویند
میم مفتوح با الف کشیده لام مکسور با یا کشیده ح ر اوُمادا
یونانیست و آن عصاره خیارزه است همزه مضموم
با واو کشیده میم مفتوح با الف کشیده دال مفتوح با الف
کشیده اوسپید متفرقه است بپارسی نیلوفر هندی گویند
همزه مضموم با واو کشیده سین مفتوح با مکسور با یا
کشیده و بعضی با میم گویند دال ساکن اورس تخم ویل است
بپارسی همزه مفتوح بواو زده را مضموم سین زده اوداسالیون
یونانیست بپارسی تخم کرفس گویند همزه مضموم با واو کشیده
دال مفتوح با الف کشیده لام مکسور با مضموم با واو کشیده
نون ساکن اوفیمن یونانیست و آن نادروج است همزه
مفتوح بواو زده فاء مکسور با یا کشیده میم مفتوح نون با

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

زده اوز بپارسی مرغابی گویند همزه مفتوح بواو زده
واو مکسور برا زده اوقطاریون یونانیست بپارسی غافت
گویند همزه مفتوح بواو زده قاف مفتوح طا مفتوح با الف
کشیده را مکسور یا مضموم با واو کشیده نون ساکن اوذر
یونانی آب را گویند همزه مضموم بواو زده دال مفتوح برا زده
ب را اونوغالی یونانیست بپارسی شهاب و عسل را گویند
همزه مفتوح با واو کشیده نون مضموم با واو کشیده میم
مفتوح با الف کشیده لام مکسور با یا کشیده اهلیلج اصفر
عربیست بپارسی هلیله زرد گویند مشهورست ب ای اهلیلج
اسود هلیله سیاه را گویند ب ای اهلیلج کابلی هلیله کابلی را
گویند ب ی ک ح ایدع بپارسی خون سیاوشان گویند
همزه مفتوح و بیا زده ها مفتوح قاف مفتوح با الف کشیده
نون ساکن گفته ان شاء الله تعالی ایل عربیست بپارسی گاو
و گوسفند کوهی گویند همزه اجر جیر مکسور و مضموم تیر گویند

دال مفتوح
و بعین زده

ایهقان
همزه مفتوح با یا زده
ها مفتوح قاف

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

مشدد و مفتوح بلام زده ایرسا یونانیست بپارسی بیخ سوسن آسمانگونی

گویند بهمزه مکسور و بیاء کشیده را ساکن سین مفتوح و با الف کشیده

باب الباء بادیج متفرقه است بپارسی نارگیل گویند با مفتوح با الف

کشیده دال مکسور نون مفتوح و جیم زده در نارجیل طبیعت آن گفته شود ا

ان شاء الله تعالی باقلا عربیست بپارسی باقلی گویند بهم مرویست

معـ کعـ ـای مشهورست باقلاء قبطی عربیست بپارسی باقلی

قبطی گویند قابض بود باقلاء مصری عربیست و آن ترمس است

و گفته شود ان شاء الله تعالی بادرنجبویه عربیست بپارسی

بالنگو گویند بای منقوطه درست مفتوح و با الف کشیده دال

معجمه مکسور راء مهمله مفتوح و بنون زده جیم مضموم و با واو

کشیده با مفتوح و ها زده ح ی ۲ بادزهر بپارسی

پازهر گویند و مشهورست و در حجر التیس طبیعت آن گفته شود ان

شاء الله تعالی بادآورد اسمی پارسیست عرب شوکة

البیضا گویند ح ی اکع بادنجان عربیست بشیرازی بذنگان

گویند و مشهور است ح ی بابونج عربیست بپارسی بابونه گویند و مشهور است

ح ی بادروج متفرقه است بپارسی ریحان کوهی گویند

با مفتوح و با الف کشیده دال مکسور را مضموم و با واو کشیده

جیم ساکن ح ما بارود سریانیست بپارسی نمک چینی گویند

با مفتوح و با الف کشیده را مضموم و با واو کشیده و دال

ساکن طبیعت در اسپیوس گفته شود بابادی یونانیست بپارسی

فلفل سیاه گویند با مفتوح و با الف کشیده را مکسور و با یا کشیده

در فلفل اسود گفته شود ان شاء الله تعالی بالطس یونانیست

و آن نوعی از سه گل است با مفتوح با الف کشیده طا مکسور

و بسین زده و اگر طا مضموم گویند بسین زده اسم بالنگ دیده باشد

طبیعت در علیقن گفته شود ان شاء تعالی بارسطاریون یونانیست

بپارسی کزنک گویند با مفتوح و با الف کشیده را مکسور و سین

زده طا مفتوح و با الف کشیده را مکسور یا مضموم و با واو

کشیده نون ساکن ح ی بیراله یونانیست بپارسی زراوند

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

دراز گویند با مضموم و بیا زده را مفتوح و با الف کشیده لام مفتوح
و بها زده زراوند طویل را گویند طبقه آن گفته شود ان شاء الله **بیراله**
اسم کنتیست بپارسی غراب عبلی گویند با منقوطه بنقطه از شیب مضموم
و به یا منقوطه بدو نقطه از بالا زده عین مهمله ساکن ح ی **بجیم**
متفرقه است بپارسی گزبار گویند با مضموم و جیم زده میم ساکن در
نهر مازج گفته شود انشاء الله **بخنجات** یونانیست بپارسی گسته
گویند با منقوطه بنقطه از شیب مفتوح و بحا مهمله زده تا منقوطه به نقطه
از بالا مفتوح جیم معجمه مفتوح و با الف کشیده یا ساکن در عصی الراعی گفته
شود ان شاء الله تعالی **بخور مریم** فارسیست و آن آذربویست گفته
شد **بدلیون** سریانیست بپارسی مقل گویند و گفته شود با مفتوح و بدال
زده لام مکسور یا مضموم و با واو کشیده نون ساکن **بداسقان**
یونانیست بپارسی بدسکان گویند و آن حنبیست با مفتوح دال
مفتوح و با الف کشیده سین ساکن قاف مفتوح و با الف کشیده
نون ساکن ح ی بر عربیست بپارسی گندم گویند با مضموم را

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

مضموم بدو ضمه ودرخط طبیعت آن کفته شود **برنج کابلی** عربیست
بپارسی برنک کاولی کویند با مکسور را مفتوح وبنون زده جیم مکسور
کابلی معلوم ح ای م **برهاس** یونانیست بپارسی رازیانه کویند با مفتوح
وبرا زده ها مکسور وبلام زده با مفتوح وبا الف کشیده ودر برالنج
از با کفته شود ان شاء الله **برشیاندار** متفرقه است بپارسی
کشنیه کویند با مفتوح برا زده سین مکسور ومفتوح نیز کویند با مفتوح
وبا الف کشیده نون ساکن ودال مفتوح وبا الف کشیده را مضموم
وبا واو کشیده ودر عصی الراعی کفته شود ان شاء الله تعالی **برغشت**
از متفرقاتست بپارسی سوره خوانند با مفتوح وبرا زده غین
مکسور وبشین زده تا ساکن طبیعت آن در قتابری کفته شود ان
شاء الله تعالی **برس** از متفرقه است بپارسی منه کویند با مکسور
وبرا زده سین مضموم است بدو ضمه طبیعت آن در قطن کفته شود
ان شاء الله تعالی **برنجشک** اسم کیست بپارسی ان کی
تودر رو خوانند با مفتوح را مکسور ومفتوح نیز کویند وبنون زده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

چم مفتوح میم مکسور و شین زده کاف ساکن طبیعت آن در آنفرجمشک گفته

شود برذ وسلام عربیست بپارسی ورق نازنگ گویند با مفتوح و

برازده دال مضموم بدو ضمه واو مفتوح سین مفتوح لام مفتوح و

با الف کشیده میم ساکن طبیعت آن در اوان الحدی گفته شد برغوثی

اسم کنیتست بنگو گویند با مفتوح و برازده و غین مضموم و با واو

کشیده ثا مکسور و با یا کشیده طبیعت آن در اسقیوس گفته شد

برنجاسف اسم کنیتست بشیرازی برنراسک گویند محتاج باعراب

نیست ح ی در آخر آبروی عربیست بپارسی نک گویند

ب ی ۲ ۱ احتیاج باعراب نیست برطانیقی اسم کنیتست

بپارسی بستان افروز گویند و بعضی گویند برطانیقی اسمی یونانیست

با مفتوح و برازده طا مفتوح و با الف کشیده نون مکسور و با یا

کشیده قاف مکسور و با یا کشیده طبیعت آن در بستان افروز

گفته شود ان شاء الله تعالی برقطونا عربیست بپارسی

بنگو گویند با مفتوح برازده را مکسور قاف مفتوح طا مضموم

باواو کشیده نون مفتوح باالف کشیده ب ر م بزر الکرفس

الجبلی تخم کرفس کوهیست بزر الکرفس البستانی تخم کرفس بستانی

کویند بزر الخبازی بپارسی تخم خبازی کویند بزر الخطمی تخمی کویند

بزر رطبه تخم اسپست کویند بزر معلوم را مفتوح و لطا زده با

مفتوح و بها زده ح ر بزر الجرجیر بپارسی کهرک کویند جیم مکسور

بابا کشیده ح ی م بزر البطم بپارسی دانه وشتی کویند میم

مفتوح لطا زده بزر الحجم بپارسی تخم اسفرک کویند حا مضموم میم

زده مکسور نیز کویند بزر السرمق اسفناج کویند سین مکسور برا زده میم

مفتوح نقاف زده بزر الحرفه بپارسی تخم تورک کویند معلومست

ب بزر السداب تخم سداب کویند ح ی م بزر الریان بپارسی

حب فلفل کویند معلومست بزر الجزر البری بپارسی تخم کزر صحرایی کویند

بزر الخس تخم کاهو کویند ب ی بزر الخبز النبج البری بپارسی

تخم نبک کویند بزر معلوم با مفتوح بنون زده جیم ساکن بزر الجزر البستانی

عربیست بپارسی تخم کزر خوانند معروفست و ... ع ا

نیست ح ر

بزر الفجل بپارسی تخم تربزه گویند ح ۳ ی؛ بزر المرو بپارسی مروشنگ
گویند ح ر بزر الکاکنج بپارسی تخم کاکنه گویند بزر معلوم کاف مفتوح با الف
کشیده کاف مکسور نون مفتوح بجیم زده بزر الهوه بلغت اهل خراسان
توذری گویند بزر معلوم ها مضموم واو مفتوح بها زده بزر بلاقیس
بپارسی خردل سپید گویند بزر معلوم با مکسور لام مفتوح با الف
کشیده قاف مفتوح با یا کشیده سین ساکن بزر القنب عربیست
شهدانه گویند بزر معلوم قاف مکسور نون مفتوح بباء زده بزر الخند
قوقی بپارسی تخم اندقوقی گویند خا مفتوح بنون زده دال مفتوح
قاف مضموم با واو کشیده قاف مکسور با یا کشیده بزر لسان
الحمل بپارسی بارتنگ گویند لام مکسور سین مفتوح با الف کشیده نون
مضموم بلام زده حا مفتوح میم مفتوح بلام زده بزر الحماض
بپارسی تخم ترشک گویند معلوم است ب ی بزر الکتان بپارسی
بزرک گویند کاف مفتوح بتا زده تا مفتوح با الف کشیده
نون ساکن بزر النمام بپارسی تخم سیسنبر گویند نون مفتوح

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

بمیم زده و با الف کشیده میم ساکن ح ی بزر الهلیون بپارسی تخم
مارچوبه گویند با مفتوح بلام زده با مضموم با واو کشیده نون
ساکن ح ر بزر العصفر بپارسی خسکدانه گویند بزر معلوم بصاد و
فا مضموم برا زده بزر الکراث بپارسی تخم گندنا گویند کاف
مضموم را مفتوح با الف کشیده ثا ساکن ح ی بزر اللفت
بپارسی تخم شلغم گویند لام مکسور بفا زده تا ساکن بزر القثا بپارسی
تخم خیار زده گویند قاف مفتوح با الف کشیده ب ر بزر البقله
الحمقا بپارسی تورک گویند با مفتوح بقاف زده لام مفتوح تا
مضموم بلام زده حا مفتوح بمیم زده قاف مفتوح با الف کشیده
بُسر عربیست بپارسی غوره خرما گویند و خرک هم گویند با
مضموم بسین زده را مضموم مد و ضمه ب ی بُستج بپارسی گندر
گویند با مکسور بسین زده تا مفتوح بجیم زده بُستباج رومیست
با مفتوح بسین زده تا مکسور با یا کشیده با مفتوح با الف کشیده
جیم ساکن بسّد بپنج مرجان گویند با مکسور بسین زده مفتوح

عین مفتوح

مکسور ثا

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

بدال زده و بای م بشمة عربیست بپارسی چشمک گویند باء مفتوح
بسین زده و میم مفتوح بها زده بشبولیون بپارسی بنگو گویند
باء مضموم شین مضموم بواو زده لام مکسور یاء مضموم بواو کشیده
نون ساکن بشلشکه یونانیست باء مکسور بشین زده لام
مکسور بشین زده کاف مفتوح بها زده بصل بپیاز گویند باء
مفتوح صاد مفتوح بلام ساکن زده ح ی بصاق القمر سنگ قمر
گویند باء مکسور صاد مفتوح با الف کشیده قاف ساکن قمر
معلوم بطیخ خربزه گویند بطیخ زرقی هندوانه گویند بط
باء مفتوح بطاء زده بپارسی قاز گویند بطراساليون تخم کرفس
کوهی گویند باء مکسور بطاء زده راء مفتوح با الف کشیده سین مفتوح
با الف کشیده لام مکسور یاء مضموم بواو کشیده نون ساکن بطارس
یونانیست اسم سرخسیست باء مفتوح طاء مفتوح با الف کشیده راء
مکسور بسین زده بطرالاون یونانیست بپارسی نفط گویند
باء مکسور بطاء زده راء مفتوح با الف کشیده لام مفتوح با الف

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

کشیده واو مضموم بنون زده سین ساکن **لطباط** سریانیست بپارسی
پسته گویند با مفتوح لطبا زده با مفتوح با الف کشیده طا
ساکن **بعر الضب** عربیست بپارسی سرگین سوسمار گویند
با مضموم بعین زده را مضموم بلام زده ضاد مفتوح ببا زده
بعر الماعز بپارسی سرگین بز گویند **بلس** بپارسی بید انجیر سفید گویند
با مضموم لام مفتوح بسین زده **بلوسیطون** بپارسی گلنار
گویند با مضموم لام مضموم بواو کشیده سین مکسور بیا کشیده
طا مضموم با واو کشیده
نون ساکن **بل** بره هندیست با مضموم مکسور نیز گویند
بلنکمشک بپارسی بالنکوی خودرو گویند با مکسور مفتوح
مکسور
نیز خوانند لام مفتوح بنون زده کاف مفتوح میم بسین زده
کاف ساکن **بلج** عربیست بپارسی غوره خرما گویند با مفتوح
لام مفتوح حا ساکن ب ی **بلبوس** بپارسی پیاز گویند
با مفتوح بلام زده با مضموم با واو کشیده سین ساکن
بوغاصن یونانیست بپارسی گاوزبان گویند با مضموم

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

وباواو کشیده عین مفتوح وبلام زده صاد مضموم ونبون زده **بورنک**

بپارسی بادررک گویند با مضموم وباواو کشیده را مفتوح ونون

زده کاف ساکن **بولوطریخون** یونانیست بپارسی پرسیاوشان

گویند با مضموم وباواو کشیده لام مضموم وباواو کشیده طا مفتوح

را مکسور وبایا حا مضموم وباواو کشیده نون ساکن **ناسب** در کتب

صمغ البطم گویند با مکسور نون مفتوح باالف کشیده سین ساکن

یاساکن **بنج** بپارسی نبک گویند با مفتوح ونبون زده جیم ساکن

بنطافلون یونانیست بپارسی انجکشت گویند با مکسور ونون

زده طا مفتوح باالف کشیده فا مفتوح لام مضموم وبواو زده نون

ساکن **بندق** عربیست بپارسی فندق گویند **بندقا** هندی ریته

گویند بپارسی فندق هندی گویند ی **انبک** قشوریست

مصری با مضموم ونبون زده کاف ساکن ح ی **انبات الرعد**

عربیست بپارسی انکل گویند با مفتوح نون مفتوح باالف

کشیده تا مضموم وبلام زده را مفتوح ولعاین زده دال

کشیده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

ساکن ب ح م بقه بپارسی پشه گویند با مفتوح و بنون زده

قاف مفتوح و بها زده بُنبُر هندیست بپارسی سپستان گویند

با مفتوح و بنون زده با مفتوح و برا زده بوزیدان ابوریحان

گوید اسم فارسیست و در کتب مستعمل گویند با مضموم با واو کشیده

زا مفتوح و بایا زده دال مفتوح و با الف کشیده نون ساکن

بُوربطیش یونانیست و آن اسم مرقشیشا است با مضموم

و با واو کشیده و را مکسور و با یا کشیده طا مکسور و شین

زده بوقیصا یونانیست بپارسی درخت اسپیدار گویند

با مضموم و با واو کشیده قاف مکسور و با یا کشیده صاد مفتوح

و با الف کشیده بوشاد یونانیست بپارسی شلغم گویند

با مضموم و با واو کشیده بوطانیه یونانیست بپارسی سیاه

دارو گویند با مضموم و با واو کشیده قاف مکسور و با یا کشیده طا

مفتوح با الف کشیده نون مکسور یا مفتوح و بها زده بوذیون

یونانیست و آن اسم اسفایج است با مضموم و با واو کشیده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

لام مضموم و با واو کشیده با مضموم و با واو کشیده نون ساکن بو علصن
یونانیست بپارسی گاوزبان گویند با مضموم و با واو کشیده عین
مفتوح بلام زده صاد مضموم و بنون زده براج عربیست
بپارسی بیدمشک گویند با مفتوح و بها زده را مفتوح با الف کشیده
میم مفتوح و بجیم زده بج اسم انوبر دانست با مفتوح با مفتوح بجیم زده
بهرام بهرمان بپارسی خسک گویند با مفتوح بها زده را مفتوح و با
الف کشیده میم ساکن با مفتوح و بها زده را مضموم میم مفتوح با الف
کشیده نون ساکن بقل الحجر عربیست گل سنگ گویند با مفتوح ها
مفتوح قاف مضموم و بلام زده حا مفتوح جیم مفتوح و برا زده
بقیه عربیست بپارسی سو گویند با مفتوح و بیا زده قاف مکسور
با مفتوح و بها زده باب التا تانبول بپارسی تنبول گویند
تا مفتوح و با الف کشیده نون ساکن با مضموم و با واو کشیده لام
ساکن ب ای تا تا سمصت تبریزیست بپارسی حماص گویند
تا مفتوح و با الف کشیده سین مکسور و بمیم زده صاد مفتوح

وتبا زده تالنقیس یونانیست بپارسی تخم سپنددان گویند تا مفتوح بالف کشیده لام مکسور و بسین زده قاف مکسور با یا کشیده را ساکن

تاکوب تبریزیست و آن فرفیونست تا مفتوح با الف کشیده کاف مضموم و با واو کشیده تا ساکن تاغندست اسم بربریست بپارسی الگرا گویند تا مفتوح با الف کشیده غین مضموم و بنون زده دال مضموم و بسین زده تا ساکن تبن که بپارسی کاه گویند تا مکسور و ببا زده نون مکسور که معلوم تبر عربیست تا مکسور و ببا زده را ساکن تخ بپارسی خره گویند تا مفتوح و بخا زده تدرج بپارسی تذرو گویند تا مفتوح و دال مفتوح و برا زده جیم ساکن ترمس بپارسی باقلای مصری گویند و باقلای شامی نیز گویند تا مضموم و برا زده میم مکسور و بسین زده

ترنجبین ... مشهورست ترابد الفی بپارسی کنکری گویند تا مضموم را مفتوح بالف کشیده با ساکن با فی معلوم تربارمان بپارسی عاقبت گویند

سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی
جمهوری اسلامی ایران

تا مضموم و برا زده و با الف کشیده تا مفتوح میم مفتوح با الف کشیده
نون ساکن ترنجبان بفارسی بالنگو گویند تا مضموم را مضموم و نون
زده جیم مفتوح و با الف کشیده نون ساکن ترفاس بپارسی
هکل گویند تا مضموم و برا زده فا مفتوح و با الف کشیده
سین ساکن تراب الهالک عربیست بپارسی مرگ موش گویند تا مضموم
را مفتوح و با الف کشیده با مضموم و بلام زده ها مفتوح با الف
کشیده لام مکسور و بکاف زده تریاق روستانیان پارسیست
وان سیرست تشمیزج بپارسی چشمک گویند تا مفتوح بسین زده
میم مکسور بیا کشیده را مفتوح بجیم زده تشتیوان یونانیست
بپارسی بسفایج گویند تا مفتوح با شین زده تا مکسور بیا کشیده
واو مفتوح با الف کشیده نون ساکن ح ی تفسیا بپارسی انزدو
یعنی صمغ سداب گویند تا مفتوح بفا زده سین مکسور یا مفتوح با
الف کشیده تقده بپارسی کشنیز گویند تا مکسور بقاف زده
دال مفتوح تا مضموم مد و ضمه تقره عربیست بپارسی کره.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

خوانند تا مکسور و بقاف زده را مفتوح یا مضموم در ضمه در کروی گفته شود

تملول بپارسی سوره گویند تا مفتوح بمیم زده لام مضموم با واو کشیده

لام ساکن تمتم عربیست بپارسی سماق را گویند تا مکسور بمیم زده تا

مکسور بمیم زده تمساح بپارسی نهنگ گویند تا مکسور بمیم زده سین

مفتوح با الف کشیده حا ساکن تنکار در کتب بدین اسم مشهورست

تا مفتوح نون مفتوح کاف مفتوح با الف کشیده را ساکن

ح ی تنبول معروفست و در تانبول گفته شد تنوب رومیست

بپارسی صنوبر کوچک گویند که از وی قطران و زفت گیرند

تا مفتوح نون مضموم و با واو کشیده با ساکن در صنوبر گفته شود

ان شا الله تعالی توت حلو توت سفید گویند تا مضموم بواو

کشیده تا ساکن توت حامض بپارسی تود حامض گویند تودریون

یونانیست تا مضموم با واو کشیده دال مفتوح را ساکن

یا مضموم با واو کشیده نون ساکن توبانون یونانیست

نوعی از یتوعاتست تا مضموم با واو کشیده با مفتوح با الف

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

نون مکسور یاء

کشیده میم ~~مضموم لام~~ لام مضموم با واو کشیده نون ساکن باب الثا

ثافیا سپایه است ثا مفتوح با الف کشیده فا مکسور بسین زده یا

مفتوح با الف کشیده ح ۲ را ثامره بپارسی توبینا گویند ثا

مفتوح با الف کشیده میم مکسور برا زده ثالسقیس یونانیست

بپارسی سپندان گویند ثا مفتوح با الف کشیده لام مکسور مفتوح

نیز گویند و بسین زده قاف مکسور بیا کشیده سین ساکن

ثامق الحجر بپارسی سپایج گویند ثا مفتوح نیز گویند با الف

کشیده قاف مکسور با مضموم بلام زده حا مفتوح جیم مفتوح برا

زده ثدی بپارسی پستان گویند ثا مفتوح بدال زده یا ساکن

ثعلب بپارسی روباه گویند ثا مفتوح بعین زده لام مفتوح بیا زده

ثعابیر بپارسی دستنبور گویند ثا مفتوح عین مفتوح با الف

کشیده را مکسور بیا کشیده را ساکن ثفاء بپارسی خردل

سفید گویند ثا مضموم فا مفتوح با الف کشیده همزه مضموم بدو ضمه

ثلثان بپارسی روباه تربک گویند ثا مضموم بلام زده ثا

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

بلام زده

مفتوح باالف کشیده ونون ساکن ثلج عربیست بپارسی برف
گویند ثا مفتوح جیم ساکن ثمرة العرعر بپارسی تخم وهل گویند ثا مضموم
بلام زده عین مفتوح برا زده ثمرة الطرفا بپارسی گزبار گویند ثمره معلوم
طا مفتوح برا زده قاف مفتوح باالف کشیده ثمرة الشوک المصری
بپارسی گلنار گویند ثمره معلوم سین مفتوح بواو زده کاف ساکن
مصری معلوم ثمرة الشجرة الدوم شجره معلوم دال مضموم باواو
کشیده ومیم ساکن ثمرة العلیق بپارسی بروبنه کال گویند ثمره معلوم
عین مضموم بلام زده لام مفتوح بیا زده قاف ساکن ثوم بپارسی
سیر گویند ثا مضموم بواو کشیده میم ساکن ح ی ع ثومس
بانیست بپارسی پودنه گویند ثا مضموم باواو کشیده میم مکسور
بسین زده ثیل بپارسی سبد گیا گویند ثا مکسور بیا کشیده لام ساکن
باب الجیم جاذی بپارسی زعفران گویند جیم مفتوح باالف کشیده
دال مکسور بیا کشیده ح ی جاوشیر جیم مفتوح باالف کشیده واو
مفتوح سین مکسور بیا کشیده را ساکن ح ی ۳ [illegible] البحر نباتیست

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

که در آب روید جیم مفتوح با الف کشیده را مضموم بلام زده نون مفتوح
بها زده را ساکن **جاسوس** بپارسی خنجاش رندی گویند جیم مفتوح
با الف کشیده سین مضموم بواو کشیده سین ساکن **جارگون** بپارسی
برباز گویند جیم مفتوح با الف کشیده را ساکن کاف مفتوح با واو کشیده
نون ساکن **جامسه** بپارسی باقلای قبطی خوانند جیم مفتوح با الف
کشیده میم مکسور سین مفتوح بها زده **جدوار** عربیست بپارسی
ژدوار گویند و ماه فرودین تیر گویند جیم مفتوح بدال زده واو
مفتوح با الف کشیده را ساکن ح ی **جرجر** بپارسی گنگر گویند
جیم مکسور براز زده جیم مکسور بیای کشیده را ساکن **جرمدانق**
جیم مکسور براز زده میم ساکن دال مفتوح با الف کشیده نون مفتوح
با الف کشیده نون مفتوح بقاف زده **جردان** جیم مفتوح راء
مفتوح دال مفتوح با الف کشیده نون ساکن **جراسیا** بپارسی الوابوعلی
گویند جیم مفتوح را مفتوح با الف کشیده سین مکسور یا مفتوح با الف کشیده
جرمازج بپارسی گزمازج گویند جیم مکسور براز زده میم مفتوح با الف

کشیده راء مفتوح بجیم زده جشرود دارو عربیست پارسی خولنجان
گویند جیم مفتوح بسین زده راء مفتوح بواو کشیده دال مفتوح با
الف کشیده راء مضموم باواو کشیده جسمی پارسی جسک گویند
جیم مفتوح بشین زده میم مکسور بایاء کشیده جعده دو نوع است
صغیر و کبیر جیم مضموم بعین زده دال مفتوح بهاء زده جفری پارسی
پوست بهار خرما گویند جیم مفتوح بفاء زده راء مکسور بایاء کشیده
جلبوب اسم لبلاب است جیم مفتوح لام مفتوح باواو کشیده باء باء مضموم ه
ساکن جلنار پارسی گلنار گویند جیم مضموم بلام زده نون مفتوح
باالف کشیده راء ساکن جلهنک جیم مکسور بلام زده هاء مفتوح
بهاء مفتوح بنون زده کاف ساکن جلوجه پارسی لوپه بری گوید
جیم مفتوح لام مفتوح بنون زده جیم مضموم بواو زده جیم مفتوح
بهاء زده جلماسا پارسی خیار بالنگ گویند جیم مفتوح بلام زده
میم مفتوح باالف کشیده جمار عربیست مغز سر درخت خرما گویند جیم سین مفتوح باالف کشیده ه
ساکن
مضموم میم مشدد و مفتوح باالف کشیده راء مضموم ب ی جارالنهر

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

بناتیست که در آب روید جیم مضموم میم مفتوح با الف کشیده و را مضموم
نون مفتوح بها زده را ساکن جمسفرم بپارسی شلغم گویند جیم مضموم میم مفتوح
بسین زده فا مکسور را مفتوح بمیم زده جمیز اسم نوعی از انجیر است
جیم مفتوح میم مکسور و بیا کشیده را ساکن جنجل در دمشق بسیار
بود جیم مضموم نون زده جیم مضموم بلام زده جناح التیس بپارسی گنگر
گویند جیم مضموم نون مفتوح با الف کشیده حا مضموم بلام زده
تا مکسور بیا کشیده سین ساکن جناح بپارسی بال مرغ گویند
جیم مفتوح نون مفتوح با الف کشیده حا ساکن جوز ماثل بپارسی
کور گیا خوانند جوز معلوم میم مفتوح با الف ثا مکسور بلام زده باب الحا کشیده ص
حاشا نوعی از بوته کوهی است حا مفتوح با الف کشیده سین مفتوح
با الف کشیده حافر المهر حا مفتوح با الف کشیده فا مکسور را مکسور
بلام زده میم مفتوح بها زده را ساکن حاج حا مفتوح با الف
کشیده جیم ساکن حالوما حا مفتوح با الف کشیده لام مضموم بواو
کشیده میم مفتوح با الف کشیده حاط النخل حا مفتوح با الف کشیده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

فاء مکسور طاء مضموم بلام زده نون مفتوح بجا زده لام ساکن

حالق الشعر حاء مفتوح با الف کشیده لام مکسور قاف مضموم

شین مفتوح بعین زده راء ساکن حافر حمار الوحش اسم خر وحشی گویند

حاء مفتوح با الف کشیده راء مضموم بلام زده واو مفتوح بجا زده

شین ساکن حافر البردون اسم استر گویند حافر گفته شد باء و مفتوح براء زده

دال مضموم با واو کشیده نون ساکن حب الصراط اسم مازریون است

حب معلوم صاد مکسور راء مفتوح با الف کشیده طاء ساکن حماط

حاء مفتوح ~~با الف کشیده قاف~~ باء مفتوح با الف کشیده حبق بپارسی پودنه — طا ساکن

گویند حاء مفتوح باء مفتوح قاف زده ساکن حبن بپارسی خربزه

گویند حاء مکسور بیا زده نون ساکن حب حلوه اسم انیسون است

حاء مضموم لام مضموم با واو کشیده ها ساکن حب السودا بپارسی

شونیز گویند سین مفتوح با واو کشیده دال مفتوح با الف

کشیده حب رشا باء مضموم راء مضموم سین مفتوح با الف

کشیده حب فقد فاء مفتوح قاف مفتوح بدال زده حب

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

القطن بپارسی پنبه دانه گویند قاف مضموم بطا زده نون ساکن

حب القلقل بپارسی ها رداﻧﻪ دشتی گویند قاف مکسور بلام زده حب

القلت بپارسی ماش هندی گویند قاف مکسور بلام زده

تاء ساکن حب العضم بپارسی خسکدانه گویند عاین مضموم بضاد زده

فاء مضموم براز ده حب النمه بپارسی روباه ترکب گویند فاء مفتوح

گویند نون مفتوح با الف کشیده حب الرشاد راء مفتوح سین مفتوح

با الف کشیده دال ساکن حبق الفنا حاء مفتوح باء مفتوح قاف

مضموم بلام زده فاء مفتوح با الف کشیده حبق ترنجانی بپارسی

بالنگو گویند تاء مضموم راء مضموم بنون زده جیم مفتوح با الف

کشیده نون مکسور بیاء کشیده حجر البقس یا وزهر گویند حاء مفتوح

جیم مفتوح راء مضموم بلام زده تاء مفتوح بباء زده سین مکسور حجر

انا غاطیس همزه مفتوح نون مفتوح با الف کشیده عاین مفتوح

با الف کشیده طاء مکسور بسین زده سنگیست که ببانید خون از وی

جدا شود حجر الکرک سنگیست نهایت سفید کاف مفتوح

نونِ مفتوح م

راء مفتوح بکاف زده حجر جاطوس سنگیست که از وادی شام آورند

و آن وادی را در قدیم جاجا کشدی و این زمان وادی جهنم گویند

لام مضموم حاء مفتوح با الف کشیده طاء مضموم با واو کشیده سین

ساکن حجل حاء مفتوح جیم مفتوح لام مضموم حجر اسا کفه همزه مفتوح

سین مفتوح با الف کشیده کاف مکسور فاء مفتوح بها زده حرمل حاء

مفتوح برا زده میم مفتوح بلام زده حرشف بپارسی کنگر گویند حاء

مفتوح برا زده شین مفتوح بفا زده حرشنا رومیست بپارسی خردل

گویند حاء مفتوح راء مفتوح با الف کشیده شین با الف کشیده حرض

بپارسی اشنان گویند حاء مضموم راء مضموم بصاد زده خرء الشیاطین

بپارسی تخم خلیل گویند حاء مکسور برا زده راء مضموم بلام زده شیاطین

معلوم حربا سریانیست بپارسی آفتاب پرست گویند حاء مکسور

برا زده باء مفتوح با الف کشیده حرائیل یونانیست آن نخیست

که از طرف شام و بیت المقدس می آورند حاء مضموم راء مفتوح بنون

زده باء مفتوح مضموم نیز گویند بلام زده حصاة الاسفنج حاء

مفتوح

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

مفتوح صاد مفتوح همزه مضموم بلام زده همزه مکسور بسین زده فاء مفتوح بنون

زده جیم ساکن خلق السعر بپارسی آهک گویند خاء مفتوح لام مفتوح قاف مضموم

سین مفتوح بعین زده راء ساکن حمیرا حاء مضموم میم مفتوح بیاء زده

راء مفتوح باالف کشیده حندقوقی دیو اسپست گویند حاء مفتوح

بنون زده دال مفتوح قاف مکسور بیاء کشیده خوجم بپارسی

گل سرخ گویند خاء مفتوح بواو زده جیم مفتوح بمیم زده حیه عربست

اسم مارست باب الخاء خالق النمر نوعی از مازریونست خاء

مفتوح باالف کشیده لام مکسور قاف مضموم بلام زده نون مفتوح

میم مکسور براء زده خامالاون خاء مفتوح باالف کشیده میم مفتوح

باالف کشیده واو مضموم بنون زده خامامیلن خاء مفتوح با

الف کشیده میم مفتوح باالف کشیده میم مکسور بیاء کشیده لام

مکسور بنون زده خامانیطس خاء مفتوح باالف کشیده میم مفتوح

باالف کشیده نون مکسور بیاء کشیده طاء مکسور بسین زده

خبازی خاء مضموم باء مفتوح باالف کشیده راء مکسور بیاء کشیده

قاف مضموم با واو کشیده صح

لام مفتوح با الف کشیده صح

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

خبث الحدید خا مفتوح با مفتوح ثا مضموم بلام زده حا مفتوح دال

مکسور بیا کشیده دال ساکن خراق خا مضموم بیا زده را مفتوح

بقاف زده ختم الملک بپارسی گل مختوم گویند خا مفتوح سا زده میم

مضموم بلام زده میم مفتوح لام مکسور بکاف زده خثار البقر خا مکسور

ثا مفتوح بالف کشیده همزه مضموم بقر معلوم خداع الرجال بپارسی

تخم منک دیو گویند خا مضموم دال مفتوح بالف کشیده عین مضموم

بلام زده را مکسور جیم مفتوح بالف کشیده لام ساکن خرو الحمام خا

مکسور براز ده واو مضموم بلام زده حا مضموم میم مفتوح بالف کشیده

میم ساکن خرقی خا مکسور را مفتوح قاف مکسور بیا زده خریع خا

مفتوح را بیا کشیده عین ساکن خرفطان نباتیست که بر درخت

زیتون و امرود و بادام بچیده شود خا مفتوح براز ده فا مفتوح طا

مفتوح بالف کشیده نون ساکن خرف بپارسی کراره گویند خا

مفتوح را مفتوح بفا زده خزاما خا مفتوح زا مفتوح بالف کشیده

میم مفتوح بالف کشیده خسف خا مفتوح سین مفتوح بفا زده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سین مفتوح

خسل خاء مفتوح بلام زده خنخار آردی بود که نخاله از وی نگرفته باشند

خاء مضموم شین زده کاف مفتوح با الف کشیده را ساکن خطر

خاء مفتوح طاء مکسور تیر خوانند بطا زده راء ساکن خطاف بپارسی پرستوک

گویند خاء مضموم طاء مفتوح با الف کشیده فا ساکن خصلاف خاء

مفتوح بصاد زده لام مفتوح با الف کشیده فاء ساکن خفاش بپارسی

موش کور گویند خاء مفتوح مضموم هم گویند فاء مفتوح با الف کشیده

سین ساکن خلال بپارسی عوره خرما گویند خاء مفتوح لام مفتوح با الف

کشیده لام ساکن خلد بپارسی انگشت برگ گویند خاء مضموم بلام

زده دال ساکن خمخم بپارسی نبات شنغترک گویند خاء مضموم میم زده

خاء مفتوح میم زده خندریلی بپارسی کاسنی صحرایی گویند خاء مفتوح

بنون زده دال مفتوح راء مکسور بیاء کشیده لام مکسور بیاء کشیده

خندروس بپارسی کاکل گویند خاء مفتوح نون زده دال مفتوح

راء مضموم با واو کشیده سین ساکن خنشی بپارسی سیرنیز گویند

خاء مضموم نون زده ثاء مفتوح با الف کشیده خولنجان بپارسی خسرودارو

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

کرینج ی ۲ خوخ بپارسی شفتالو گویند خا مفتوح بواو زده خا ساکن

اقرع همزه مفتوح بقاف زده را مفتوح بعین زده خیربوا

خا مکسور بیا کشیده را مکسور با مفتوح واو مفتوح و با الف کشیده

باب الدال دانج دال مفتوح با الف کشیده نون مفتوح

بجیم زده واو مفتوح با مفتوح برا زده ... بپارسی الگک

گویند دال مفتوح با الف کشیده نون مفتوح بجیم زده همزه مفتوح بیا

زده را مضموم واو مفتوح بجیم زده دبش میویزج عسلی گویند دال

مکسور بیا زده قاف ساکن دلبس بپارسی دوشاب خرما گویند

دال مکسور بیا زده سین ساکن دبا بپارسی کدو گویند دال مضموم

با مفتوح با الف کشیده دباب بپارسی سیسبر گویند دال مفتوح

با مفتوح با الف کشیده با ساکن دیودار بپارسی هم دیودار

گویند دال یا مضموم با واو کشیده دال مفتوح با الف کشیده

را ساکن دجر لوبیا گویند دال مفتوح جیم مکسور برا زده دخن بپارسی

ارزن گویند دال مضموم بخا زده نون ساکن ... لغة

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

اینام است بپارسی شفتالو گویند دال مفتوح را مفتوح با الف کشیده فاء
مکسور بسین زده درونج دال مفتوح را مفتوح با واو کشیده نون
مفتوح بجیم زده عقربی مشهورست درداب بپارسی دستنبویه گویند
دال مفتوح و برا زده دال مفتوح و با الف کشیده با ساکن دفلی بپارسی
خرزهره خوانند دال مکسور و بفا زده لام مفتوح با الف کشیده
دلب عربیست بپارسی چنار گویند دوسر نوعی از سوسن
بری است دال مفتوح و بلام زده باء مضمومه و با واو کشیده ثاء ساکن
دم الاخوین بپارسی خون سیاوشان گویند دال مفتوح میم
مضموم و بلام زده میم مفتوح و بخا زده واو مفتوح و بیا زده نون ساکن
ح ای ه دند بپارسی حب سلاطین گویند دال مفتوح و مضموم نیز
گویند و بنون زده دال ساکن دنقه دال مفتوح بنون زده قاف
مفتوح و بها زده دوم دال مضموم و با واو کشیده همزه مضموم
و بمیم زده دوقو دال مضموم و با واو کشیده قاف مضموم
و با واو کشیده دوباروج عروس در پرده گویند دال مضموم

عین ساکن

عین

وبواو زده یا مفتوح و با الف کشیده را مضموم با واو کشیده حا
ساکن دوص عربیست بپارسی آتیم ابیست که آهنگران آهن تافته
دران می اندازند دال مضموم و با واو کشیده صاد ساکن دهنج
بپارسی دهانه گویند دال مفتوح و بهازده نون مفتوح و جیم زده ب
ی دهن الحل بپارسی روغن شیره گویند دال مضموم و بهازده
نون مضموم و بلام زده حا مفتوح و بلام زده دهن الخلوع
بپارسی روغن زعفران گویند دهن روشن جا مضموم لام مضموم
و با واو کشیده نقاف ساکن دنیا زدیه بپارسی گوخر گویند دال
مکسور و با یا کشیده نون مفتوح و با الف کشیده را مضموم
و با واو کشیده و یا مفتوح و بهازده دیوناقوطیس یونانیست
دال مفتوح یا مضموم با واو کشیده نون مفتوح و با الف
کشیده قا مضموم و با واو کشیده نون مکسور و با یا کشیده طا
مکسور و بسین زده دنیا قوس بپارسی طوسک گویند دال
مکسور و مفتوح تبر گویند و با یا کشیده و بیا زده هم گویند نون

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

بکسور سین مفتوح و با الف کشیده فا مضموم و با واو کشیده کاف
ساکن ذیک بردیک بپارسی مرگ موش گویند دال بکسور و بایا کشیده
کاف ساکن با مفتوح برا زده دال بکسور و بایا کشیده کاف ساکن
باب الذال ذاقی الاسکندرانی یونانیست و آن بحریست
ذال مفتوح و با الف کشیده را مفتوح با الف کشیده قاف بکسور یا
مضموم و بلام زده ح لعاب سکندرانیست و معنی آن غارانی
ذاقنوبداس یونانیست و آن اسم نوعی از مازریونست ذال مفتوح
و با الف کشیده قاف بکسور نون مضموم و با واو کشیده با مکسور دال
مفتوح و با الف کشیده سین ساکن ذبل بپارسی پوست سنگ پشت
هندی گویند دال بکسور و بپا زده لام ساکن بپارسی مگس گویند دال
مضموم یا مفتوح و با الف کشیده و یا ساکن ذراریح حیوانیست
از مگس بزرگتر بقدر زنبور سرخ اما بازنگتر بود و نقطهای سیاه بران
باشد و آن سم قاتلست ذرق بپارسی اندقوقو گویند دال
مفتوح را مفتوح و بقاف زده ذفر بپارسی تخم کرفس گویند

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

دال مکسور و مفتوح تیز گویند و بغا زده کاف مفتوح و برازده ذوخمسه

اوراق بپارسی پنج‌انگشت گویند دال مضموم و بواو کشیده خا مفتوح و میم

زده سین مفتوح با مکسور همزه مفتوح و بواو زده را مفتوح و با الف کشیده

قاف ساکن ذو ثلثه الوان نباتیست که درازی قدری یک گز بود و قضبانی

سیاه باریک دارد مانند اذخر دب بپارسی کرک گویند دال مکسور

و بایا کشیده با ساکن باب الراء رازیانج بپارسی بادیان گویند را مفتوح

و با الف کشیده نون مفتوح و بجیم زده راسن دو نوعست یکی بیکانوش

گویند و یک نوع تیزی اندر خوانند را مفتوح و با الف کشیده سین مفتوح و

بنون زده رامک را مفتوح و با الف کشیده میم مفتوح و بکاف زده

راطینج را مفتوح با الف کشیده طا مکسور و بایا کشیده و نون مکسور

و بایا کشیده رانا نوعیست بپارسی آماز گویند را مفتوح و با الف کشیده

نون مفتوح و با الف کشیده ریرقا سریانیست و بپارسی روباه ترک گویند

را مکسور و بایا کشیده را مکسور بقاف زده رصین را مفتوح صاد مکسور

و بایا کشید نون ساکن رحمه بپارسی مردارخوار گویند را مفتوح و بحا زده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

میم مفتوح وبها زده رخام نوعی از احجارست را مضموم خا مفتوح وبا الف

کشیده میم ساکن رقاقس گویند جهت آفریدست وگویند خصیة الثعلب است

وگویند بعینه بربریست را مضموم قاف مفتوح وبا الف کشیده قاف مکسور

وبسین زده قون بپارسی خاک گویند را مضموم قاف مضموم وبا واو زده

نون ساکن رماد بپارسی خاکستر گویند را مفتوح میم مفتوح وبا الف

کشیده دال ساکن رنف بپارسی بیدمشک گویند را مفتوح وبنون زده

فا ساکن رُوس سرها گویند را مضموم واو مضموم وبا واو کشیده

سین ساکن روبا بپارسی روبانزیک گویند را مضموم وبا واو

کشیده با مفتوح وبا الف کشیده رمشی بپارسی اژده گویند را مفتوح

وبها زده شین مکسور وبا یا کشیده رهیقان بپارسی زعفران گویند

را مفتوح وبیا زده ها مفتوح قاف مفتوح وبا الف کشیده نون

ساکن ریحان بپارسی شراب صرف خوشبوی گویند بسیعت را مکسور

وبا یا کشیده میم مفتوح وبسین زده عین مفتوح وتا زده راووق

بپارسی چیوه گویند را مفتوح وبا الف کشیده واو مضموم وباواو

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

کشیده وقاف ساکن **زبیب** عربیست بپارسی مویز گویند را مفتوح وبا مکسور

وبابا کشیده ویا ساکن گوشت وی ح را **ابزه وابحیره** بپارسیت که گرد بر گردنی

جمع میشود وزبد گفته شد با مضموم حا مفتوح وبیا زده را مفتوح وبها زده

زبرجد بپارسی زمرد گویند را مفتوح با مفتوح وبرا زده جیم مفتوح

وبدال زده **زجمول** بپارسی کشوث گویند را مفتوح وبجیم زده میم

مضموم وبا واو زده لام ساکن **زدوار** بپارسی وتبرکی نافرین گویند

را مفتوح وبدال زده واو مفتوح وبا الف کشیده را ساکن **زرنگ**

بپارسی آب خشک گویند را مفتوح وبرا زده تا مفتوح وبکاف زده **زرنیخ**

بپارسی رواس گویند زا مفتوح زا مفتوح وبنون زده یا مضموم وبلام

زده جیم ساکن **زعرورحیلی وبستانی** بپارسی کیل زرد وکیل سرخ گویند

زعیر بپارسی مرد سفید گویند را مفتوح وبعین زده یا مفتوح وبرا زده

زوفرا بپارسی فنرک کازرونی گویند زا مضموم وبا واو کشیده

فا مفتوح را مفتوح با الف کشیده **زوان** بپارسی ملک گویند وسیلم

هم گویند را مفتوح واو مفتوح وبا الف کشیده نون ساکن **زواودنا**

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

رموز اکسیریان جیوه است را مضموم واو مفتوح و با الف کشیده واو مضموم
و با واو کشیده قاف ساکن **زهم** بپارسی زرنباد گویند را مضموم و بها زده
میم ساکن **زهرة النحاس** آن خبریست که چون مس گداخته زند و آب بران
ریزند کفی کرده مانند نمک آن کف است (اسم) **زیرقون** نوعی از درخت سجد (سبت)
که برمند بار را مکسور و با یا کشیده را ساکن قا مضموم و با واو زده نون
ساکن **زیبق** بپارسی سیماب گویند و جیوه خوانند را مکسور و با یا کشیده
با مفتوح و بقاف زده ب ر ۲ **باب السین** **شادوران** بپارسی
سیهک گویند سین مفتوح و با الف کشیده شین وال مفتوح و با الف کشیده
واو مفتوح را مفتوح و با الف کشیده نون ساکن ب ا ی ۲ **سانقه** بپارسی
پر سیاوشان گویند سین مفتوح و با الف کشیده نون مکسور قاف مفتوح و بها زده
ساسارکنت سین مفتوح و با الف کشیده را ساکن کاف مکسور شین
زده تا ساکن **ساسالیوس** بپارسی انگدان گویند سین مفتوح و
با الف کشیده سین مفتوح با الف کشیده لام مکسور یا مضموم و با واو
زده سین ساکن **ساطریون** یونانیست و آن را خصی الثعلب گویند سین

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

مفتوح و با الف کشیده طا مفتوح و برا زده ها مضموم و برا و کشیده نون

ساکن سالابندرا اسم نوعی از عصانه است سین مفتوح و با الف کشیده

لام مفتوح و با الف کشیده میم مفتوح و بنون زده دال مکسور را مفتوح

و با الف کشیده سبع الارض سین مفتوح با مضموم عین مضموم

و بلام زده ارض معلوم سبع الشعرا اسم افتیمون است سبع گفته شد

شین مفتوح و بعین زده را مفتوح و با الف کشیده سخینوس یونانیست

بپارسی کورگیا خوانند سین مفتوح خا مکسور و بیا کشیده نون مضموم

و با واو کشیده سین ساکن سرمق بپارسی اسفاناج گویند

سین مفتوح و برا زده میم مفتوح و بقاف زده سرساد سین

مفتوح و برا زده سین مفتوح و با الف کشیده دال ساکن سراج

القطرب نباتیست نزدیک بزوفا سین مکسور را مفتوح و با الف

کشیده جیم مضموم و بلام زده قاف مضموم و بطا زده را مضموم

و بیا زده سسعند یونانیست بپارسی عود بلسان گویند

سین مفتوح و بسین زده عین مکسور و بنون زده دال ساکن

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سطراطیوطس یونانیست و آن نباتیست که بنج دارد سین مفتوح
و بطا زده را مفتوح و باالف کشیده طا مفتوح یا مضموم و با واو کشیده
طا مکسور و بسین زده سطراک پارسی زرنباد گویند سین مفتوح و
بطا زده را مفتوح و باالف کشیده کاف ساکن سطاح هر نباتی
که بر روی زمین گسترده بود آنرا اسطاح خوانند سین مفتوح و باالف
کشیده حا ساکن سفنداسفند سین مکسور فا مکسور و بایا کشیده
دال ساکن همزه مکسور و بسین زده فا مفتوح و بنون زده دال
ساکن سقولوقندریون یونانیست بپارسی زنگی دارو گویند
سین مضموم قاف مضموم و با واو کشیده لام مضموم و با واو کشیده
فا مفتوح و بنون زده دال مفتوح و براز ده یا مضموم و با واو
کشیده نون ساکن سقمونیا پارسی محموده گویند سین مفتوح و بقاف
زده میم و با واو کشیده نون مکسور و یا مفتوح باالف کشیده
سک پارسی شکر گویند سین مضموم کاف مفتوح و براز ده سک
سین مضموم و بکاف زده سکنج حجر لحاغیطوس است سین

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

مفتوح کاف مفتوح و بنون زده جیم ساکن سکنجبین سین مفتوح و بکاف
زده سین مفتوح و بنون زده با مضموم و بواو کشیده با مفتوح
و بها زده سلت سین مضموم و مکسور نیز گویند و بلام زده
تا ساکن سلخ الحیه بپارسی پوست مار گویند سین مفتوح و بلام زده
خا مضموم و بلام زده حیه مشهور است سلوی بپارسی آهوی گویند
سین مفتوح و بلام زده واو مفتوح و بایا کشیده سلدانیون اسم
درختیست سین مفتوح و بلام زده دال مفتوح و بالف کشیده نون
مکسور یا مضموم و بواو کشیده نون ساکن سلاحه سین مفتوح لام
و بالف کشیده حا مفتوح و بها زده سمسق بپارسی مرزنگوش
گویند سین مفتوح و بمیم زده سین مکسور و بقاف زده سمین بپارسی
چربی گویند سین مفتوح میم مکسور و بایا کشیده نون ساکن سمسم
بپارسی کنجد گویند سین مکسور و میم زده سین مکسور و میم زده سمن عربیست
روغن گاو و گوسفند گویند سین مفتوح و میم زده نون ساکن سنبوت
بپارسی زیره گویند سین مفتوح و بنون زده با مضموم و با واو کشیده

تا ساکن سندروس بپارسی صندلین گویند سین مفتوح و بنون زده
دال مضموم را مضموم و با واو کشیده سین ساکن سندیان اسم درخت
بلوط است سین مکسور و بنون زده دال مکسور یا مفتوح با الف
کشیده نون ساکن سوس عربیست مهک گویند سین مضموم و با واو
کشیده سین ساکن سولان دوا ئیست رومی سین مفتوح واو
مفتوح لام مفتوح و با الف کشیده نون ساکن باب الشین شاهوج
بپارسی لوکروکویند سین مفتوح و با الف کشیده ها ساکن لام مضموم و
با واو کشیده جیم ساکن شاب رومی بفارسی فلفل سفید گویند
سین مفتوح و با الف کشیده باء ساکن رومی معلوم شادانق
بپارسی شهدانه شین مفتوح و با الف کشیده دال مفتوح
و با الف کشیده نون مفتوح و بقاف زده شب بپارسی
زاج بلور گویند سین مضموم و بباء زده شبطباط بپارسی
کشته گویند سین مفتوح با مکسور و بطا زده با مفتوح و با الف
کشیده طا ساکن شبوط نوعی از ماهیست در دجله و فراط

می باشد سین مفتوح با مضموم و با واو کشیده طا ساکن سجره اکلہ

همزه مفتوح کاف مفتوح لام مفتوح و بها زده سجره مارده اسم

لبلاب است شجر معلوم با مفتوح با الف کشیده را مکسور دال

مفتوح و بها زده سجم بپارسی پیه گویند شین مفتوح و بجا زده

میم مفتوح شری بپارسی درخت گوشت گویند سین مفتوح را

مکسور و با یا کشیده شرین بپارسی درخت قطران گویند

سین مفتوح و برا زده را مکسور و با یا کشیده نون ساکن شسندان

بپارسی سیاه دارو گویند سین مضموم و بسین زده با مفتوح

و بنون زده دال مفتوح و با الف کشیده نون ساکن شطرج

نوعی از سعتر است سین مفتوح و بطا زده با مفتوح و بها زده شعور

را مفتوح

الصفالیه بپارسی زعفران است سین مضموم عین مضموم

با واو کشیده را مضموم و بلام زده صاد مفتوح قاف

مفتوح و با الف کشیده لام مضموم یا مضموم و بها زده شقراق

بپارسی کاسه شکنک گویند سین بکسور و بقاف زده را مفتوح

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

وباالف کشیده قاف ساکن شکرینج بپارسی خسک گویند بین

مفتوح کاف مفتوح وبرا زده یا مفتوح وبنون زده جیم ساکن شمیر

بپارسی بهیل گویند سین مضموم ومیم زده سین مکسور وبایا کشیده

را ساکن شنبلید شین مفتوح وبنون زده با مفتوح لام مکسور

وبایا کشیده دال ساکن شواصر بپارسی برنجاسف گویند شین مفتوح

واو مفتوح باالف کشیده صاد مفتوح را مفتوح وباالف کشیده شوک

الدمث بپارسی کنگر گویند دال مفتوح میم مفتوح وبنون زده شیح

بپارسی درمنه گویند سین مکسور وبایا کشیده حا ساکن شیزرق

بپارسی شترمرغ باب الصاد صاب نوعی از یتوعاتست صاد مفتوح

وباالف کشیده با ساکن صبار بپارسی حرما گویند صاد مضموم و

باالف کشیده را ساکن صحناه بپارسی ماهیابه گویند صاد مفتوح

وبحا زده نون مفتوح وباالف کشیده ها ساکن صعصاف بپارسی

بید گویند صاد مفتوح وبعا زده صاد مفتوح وباالف کشیده فا ساکن

صعتر بپارسی باشه گویند صاد مفتوح وبقاف زده را مضموم بدو ضمه

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

صاد مفتوح بلام زده

صلصل پارسی فالنجه گویند صاد مضموم و بلام زده صمغ الجوز رومی

پارسی کهربا گویند جا مفتوح و بواو زده را ساکن رومی معروف صن

ویرا اسمی یمنی است صمغی را که از زمین خیزد صاد مکسور باب الضاد

ضال پارسی کنگر گویند صاد مفتوح و با الف کشیده لام ساکن

ضب پارسی سوسمار گویند صاد مفتوح و بیا زده درختست

در کوهستان یمن صاد مفتوح و بیا زده واو ساکن ضرم اسم اسطو

خودوس است صاد مفتوح و برا زده میم ساکن ضروع الکلب پارسی

درخت زقوم گویند صاد مفتوح را مکسور و با واو عین مضموم و بلام زده

کاف مفتوح و بلام زده یا مفتوح و بها زده ضومران پارسی

بید مشک گویند صاد مفتوح و بواو زده میم مفتوح را مفتوح با الف کشیده

نون ساکن باب الطا طارقه پارسی باز گویند طا مفتوح و با الف

کشیده را مکسور و با یا کشیده قاف قاف مفتوح و بها زده طبار

نوعی از انجیر است طا مکسور با مفتوح با الف کشیده را ساکن طثرج

مور کوچک است طا مفتوح و ثا زده را مفتوح و بجیم زده طخشقون

طا مفتوح و بها زده و شین مکسور و بایا کشیده قاف مضموم و با واو کشیده
نون ساکن **طرنجوماس** یونانیست بپارسی پربیاوشان گویند
طا مفتوح را مفتوح و بنون زده جیم مفتوح و با واو کشیده میم مفتوح
و باالف کشیده نون مکسور و بسین زده **طریغون** بپارسی بوتیمار
گویند طا مفتوح را مکسور و بایا کشیده غین مضموم و با واو
کشیده نون ساکن **طروقون** یونانیست بپارسی اکلیل گویند
طا مضموم را مضموم و با واو کشیده قاف مضموم و با واو کشیده
نون ساکن **طیلافیون** طا مفتوح و بیا زده لام مفتوح و باالف
کشیده فا مفتوح یا مضموم و با واو کشیده نون ساکن **طیا**
یونانیست بپارسی نوشادر گویند طا مفتوح و یا مفتوح باالف کشیده

باب الطا طفیره طغرا هر دو اسم نوعی نخ است طا مفتوح فا مکسور و بایا
کشیده را مفتوح و بها زده طا مفتوح و بغا زده را مفتوح و باالف کشیده
طلیم بپارسی شترمرغ گویند طا مفتوح لام مکسور و بایا کشیده میم مضموم

باب العین عاقول بپارسی خار از گویند عین مفتوح باالف کشیده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

قاف مضموم و باواو کشیده لام ساکن عبهر بپارسی نرگس گویند عین مفتوح و بباز زده ها مفتوح و براز زده عجم الزبیب بپارسی دانه مویز گویند عین مضموم و بجیم زده مضموم و بلام زده را مفتوح با مکسور و بایا کشیده با ساکن عراز بپارسی بابونه گویند عین مفتوح را مفتوح با الف کشیده را ساکن عرفج بری اسم سادج است عین مفتوح و براز زده فا مفتوح حا مکسور بری معلوم عشقه للابلبت عین مفتوح شین مکسور قاف مفتوح و بها زده عصاب اسم شیطرج است عین مضموم صاد مفتوح با الف کشیده با ساکن عصب عین مضموم صاد مفتوح و بباز زده عصافة اسم هر درخت خار دار است عین مفتوح ضاد مفتوح با الف کشیده عنم بپارسی گلنار گویند عین مفتوح و بنون زده میم ساکن عنوسج عین مفتوح و بواو زده سین مفتوح و بجیم زده عهن بپارسی پشم گویند عین مفتوح و بها زده نون ساکن عنیام بپارسی درخت خیار را گویند عین مفتوح و بباز زده تا مفتوح با الف کشیده میم ساکن باب الغین غاغر

بلغت عمان فوفل است عین مفتوح با الف کشیده عین مفتوح و بها زده

غباریه عنب الدّبّ عین مضموم با مفتوح با الف کشیده را مکسور

یا مفتوح و بها زده غرسا بپارسی راسن گویند عین مفتوح و برا زده

سین مفتوح با الف کشیده غسلج غین مفتوح و بسین زده لام

مفتوح و بجیم زده غلوفیر رومیست بپارسی بیخ مهک گویند

عین مضموم لام مضموم با واو کشیده فا مکسور و با یا کشیده را مکسور

با مفتوح با الف کشیده غنقلی رومیست بپارسی شلغم گویند عین

مضموم و بنون زده قاف مکسور لام مکسور و با یا کشیده باب الفا

فاشرا یونانیست فا مفتوح با الف کشیده شین مفتوح با الف کشیده

فاجشه بپارسی فندس گویند فا مفتوح با الف کشیده جیم

مکسور و شین مفتوح و بها زده فجل بپارسی ترتیزه گویند فا مضموم

و بجیم زده لام ساکن فرصاد توت گویند فا مکسور و برا زده صاد

مفتوح با الف کشیده دال ساکن فستق بپارسی پسته گویند فا مکسور

و بسین زده تا مضموم و بقاف زده فصفصه بپارسی اسپست

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

کویند فا مکسور و صاد زده فا مفتوح و بها زده فطراسالیون بپارسی

کرفس کوهی کویند فا مکسور و طا زده را مفتوح و با الف کشیده

سین مفتوح با الف کشیده لام مکسور یا مضموم و بواو کشیده نون ساکن

فلفل القرود دانه وسمه ایست فیجن بفارسی سداب کویند فا

مفتوح و بیا زده جیم مفتوح و نون زده اب القاف فاقلی

نباتیست مانند اشنان قاف مفتوح با الف کشیده قاف

مضموم لام مکسور و بایا کشیده قار اسیا آلی بالی کویند قاف

مفتوح با الف کشیده سین مکسور یا مفتوح با الف کشیده مفتوح را مفتوح با الف کشیده صح

با الف کشیده قرقرون اسم سعد است قاف مضموم و برا زده

قاف مضموم را مضموم و با واو کشیده نون ساکن قرطمان

درختیست میان جو و کندم قاف مضموم و برا زده طا مضموم

میم مفتوح با الف کشیده نون ساکن قنا اسم سلیخه است قاف

مفتوح با الف کشیده قصب الذریره بپارسی نی نهاوندی کویند

قصب معلوم دال مفتوح را مکسور و بایا کشیده را مفتوح بها زده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

قطاه بپارسی سنقر ده گویند قاف مضموم طا مفتوح با الف کشیده ها
ساکن قطیل قاف مفتوح وبعین زده یا مفتوح وبلام زده قلقند قاف
مفتوح وبلام زده قاف مفتوح وبنون زده دال ساکن قلت بپارسی
ماش هندی گویند قاف مکسور وبلام زده تا ساکن قطران روغنیست
که از درخت عرعر گیرند قنفذ بپارسی خارپشت گویند قاف مضموم
وبنون زده فا مضموم وبذال زده قوز بپارسی پنبه گویند قاف
مضموم وبا واو کشیده را ساکن قیروطی بپارسی موم روغن
گویند قاف مفتوح وبیا زده را مضموم وبواو کشیده طا مکسور
وبا یا کشیده باب الکاف کادی کاف مفتوح با الف کشیده
دال مکسور وبا یا کشیده کتم بپارسی وسمه گویند کاف مفتوح وبتا زده
میم ساکن کرکی بپارسی کلنک گویند کاف مضموم وبرا زده
کاف مکسور وبا یا کشیده کزبره کشنیز گویند کاف مضموم وبرا زده
با مضموم را مفتوح وبها زده کنت برکنت کاف مکسور

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

بسین زده تا ساکن ها مفتوح و برا زده تا ساکن گلگل کاف مضموم و مکسور
هم گویند و بلام زده کاف مضموم و مکسور هم گویند و بلام زده گلس
بپارسی آهک گویند کاف مکسور گویند و بلام زده سین ساکن کمثری
بپارسی امرود گویند کاف مضموم میم مفتوح و با ثا کشیده را مفتوح
باالف کشیده گوگ بپارسی کاهو گویند کاف مفتوح واو مضموم
و بکاف زده باب اللام لالا گیاهیست که از طرف مکه
می آورند لبنی اسم میعه سایله است لام مفتوح با مفتوح نون مکسور
و بایا کشیده لحام الذهب و لحام الصاغه لام مفتوح حا مفتوح
باالف کشیده میم مضموم و بلام زده دال مفتوح ها مفتوح و بیا زده
صاد مفتوح باالف کشیده غین مفتوح و بها زده لیلنج نوعی از
اقلیمیاست لام مکسور و بایا کشیده نون مفتوح و بجیم زده باب
المیم ماس بپارسی الماس گویند میم مفتوح باالف کشیده سین ساکن
محنج بپارسی خوش خط گویند میم مضموم و بجیم زده نون مفتوح و بحا
زده مرج درخت بادام تلخ گویند میم مفتوح و برا زده جیم ساکن

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

گویند

پارسی زرد آلو میم مکسور و بشین زده مصطکی پارسی کندر رومی

گویند میم مضموم و بصاد زده طا مفتوح کاف مکسور و بایا کشیده هنگ

انشترغار گویند ها مکسور و بنون زده کاف ساکن هوم المجوس ها مفتوح

و بواو زده میم مضموم و بلام زده میم مفتوح و بجیم ~~زده میم مفتوح~~ جیم مضموم

بواو کشیده و سین ساکن هوجره پارسی کشته گویند ها مضموم و

با واو کشیده جیم مفتوح را مفتوح و بها زده هیشر پارسی کنگر گویند

ها مفتوح و بیا زده شین مفتوح و برا زده هیرون پارسی قصب

خوانند ها مکسور و بیا کشیده را مضموم و با واو کشیده نون ساکن

هیراز رومیست راتوته گویند ها مکسور و بایا کشیده را مفتوح

با الف کشیده زا ساکن اب الیا یاقوت مشهور است یبروج

یا مفتوح و بیا زده را مضموم و با واو کشیده جا ساکن یتوع هر نباتی

که لبنی محرق مسهل منقطع دارد آنرا یتوع گویند ح ی ع یحصض

نوعی از کرفس است یا مفتوح و بحا زده صاد مفتوح و بضاد

زده یدقه یا مفتوح دال مفتوح قاف مفتوح و بها زده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

یربوع موش دشتی گویند یا مفتوح و برا زده با مضموم
و بواو کشیده عین ساکن یراع بپارسی نی گویند
یا مفتوح را مفتوح با الف کشیده عین ساکن یرامیع
اسم ماهیون است یا مفتوح را مفتوح با الف کشیده
میم مکسور با یا کشیده عین ساکن یرنا یا مفتوح و برا
زده نون مفتوح و با الف کشیده نیف بپارسی
نشیم گویند یعقوب کبک را گویند یعضید کاسنی
رومی گویند یا مفتوح و بعین زده صاد مکسور با یاء
کشیده دال ساکن یغمیضا بپارسی ریباس گویند
یا مفتوح و بغین زده میم مکسور و با یاء کشیده صاد
مفتوح با الف کشیده یقطین بپارسی کدو گویند یا مفتوح
بقاف زده طا مکسور و با یاء کشیده نون ساکن
یلنجوج عود هندی گویند یا مفتوح لام مفتوح
و بنون زده جیم مضموم و بواو کشیده جیم ساکن یمام
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

بوتیمار را گویند تا مفتوح میم مفتوح با الف کشیده
میم ساکن بثبوت یا مفتوح و بنون زده با مضموم و بواو
کشیده تا ساکن تمت

میم

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

مطول [illegible] ... سر [illegible] ... نحو [illegible]
[illegible] ... نزد [illegible] ... لغات قرآن ... نزد [illegible] است
[illegible] ... نزد میرسید محمد

[illegible] ... تفسیر ... کتاب ... تصریف ... رساله
[illegible] ... ملا فتح الله ... نزد [illegible] ... عوامل مجلد ... منهاج الكرامة مع تجويد و [illegible]
است نزد [illegible] ... مجلد [illegible]

شرح ... منتهی المطلب ... [illegible] ... انشاء ... کلیات قانون ... [illegible] ... مختصر نافع ... شرح ... [illegible]
مجلد ... [illegible] مجلد ... مجلد ... [illegible] ... [illegible] مجلد ... مجلد

شرح ... مصطلحات ... قوری از [illegible] ... حساب ... فارسی ... فارسی بیانات ... شرح ... بستان [illegible]
تعریف مجلد ... [illegible] ... با فارسی حساب مجلد ... مجلد ... مجلد ... [illegible] مجلد ... مجلد

ایضاً ... شرح شمسیه ... حاشیه ... حاشیه ... جمل ... دستور ... [illegible]
مجلد ... مجلد [illegible] ... [illegible] ... مجلد ... [illegible] ... الطبیب مجلد ... با تصورات شرح شمسیه مجلد

عدة [illegible] ... مفتاح ... رسائل ... نصاب ... حاشیه ... متن تهذیب ... مقصد
مجلد [illegible] ... الفلاح مجلد ... [illegible] ... الصبیان مجلد ... مجلد ... مجلد ... [illegible]

حاشیه ملا [illegible] ... شرح ... مجموعه ... قرابادین ... اختیارات ... تبصره ... مصحف [illegible]
شرح شمسیه ... [illegible] ... [illegible] ... مجلد ... بدیع مجلد ... [illegible] مجلد ... مجلد

[illegible] ... یوسف ... شرایع ... رساله ... کنز ... زبده [illegible]
مجلد ... طب و غیره مجلد ... مجلد ... جمع [illegible] در موسیقی ... [illegible] در طب مجلد ... طب مجلد

شواهد ... شرح [illegible] ... کافیه ... قانونچه ... لباب ... شرح ... ذخیره
[illegible] مجلد ... مجلد ... مجلد معرب ... [illegible] مجلد ... و غیره مجلد ... [illegible] مجلد ... طب مجلد

هزار ... کشکول ... [illegible] ... کنز اللغه ... کیمیای سعادت ... تفسیر ... شرح
مجلد ... [illegible] ... مجلد ... مجلد ... سعادت مجلد ... امام [illegible] مجلد ... [illegible] مجلد

[illegible] ... با نزد [illegible]

این کتابخانه مال محمد حسن ولد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران